



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۰۱/۰۱/۲۵



رحیم شنسب

دولت داری بی مسؤولیت یا حکمرانی بیخار



نوشته زیر را به تاریخ ۲۰ جنوری سال قبل به مناسبت ختم دوره پنجاه حکومت وحدت ملی نوشته بودم، که این حکومت نه تنها ختم نشد که هنوز هم دوام دارد.

تشکیل حکومت وحدت ملی سبب شد که :

- ۱- قانون اساسی کشور نقض شود.
- ۲- سبب رکود کارها و اجراءات دولتی شود.
- ۳- مخالفت ها اشد در درون دستگاه دولت از بالا تا پائین اوج بگیرد.
- ۴- عملاً حکومتی در داخل حکومت مانند حمل نامشروع جای بگیرد.
- ۵- تمام وزرای دوره های کار کوتاه ناموفق، به نام سرپرست و بی صلاحیت را به نمایش بگذارند.
- ۶- به صد ها و صد ها مشاور، مشاور ارشد در ارگ و ریاست اجرائیه نام نهاد بدون مؤثریت جا بگیرند و عاطل و باطل و طفیلی روز گذرانی کنند.
- ۷- صد ها ملیون دالر را مصرف معاشات صد ها مشاور، دفتر های مفشن، موتر ها، مصارف اعاشه، سفر های بیمورد، دعوت ها و مصارف بی لزوم دیگر هدر دهند.
- ۸- تعهد کتبی و توافق نامه وحدت ملی را نقض کنند و به قانونی سازی و ایجاد ریاست اجرائیه را عملی نکنند و دروغ و عهد شکنی آشکار را به ملت و جهانیان نمایش دهند و دولت را دروغ گو، عهد شکن، فریبکار جلوه دهند.
- ۹- هر کدام شان به وزارت خانه های سهم جانب مقابل اعتماد نکنند و اصلاً آنرا جزء تشکیل دولت ندانند و کار های وزارت ها را توسط مشاورین خود زیر نظر گیرند.
- ۱۰- عملاً در افغانستان يك حکومت نفاق ملی را تأسیس کردند و این حکومت کوچکترین خدمتی به مردم، تأمین امنیت، آوردن صلح و بهبود وضع کشور را باعث نشد.
- ۱۱- مدت پنج سال را این دو جناح به توطئه علیه همدیگر سپری کردند و وضع اقتصاد ابتر، و جنگ ها و ناامنی ها به شدت بیشتر شد.
- ۱۲- هزاران نفر از جوانان قوای مسلح و هزاران بیگناه به شهادت رسیدند که در ۱۴ سال قبل سابقه نداشت.

➤ ۱۳- اگر يك جناح دولت برنامه های وسیع انكشاف، اقدامات مثبت بازسازی، همکاری منطقوی و سهمدهی جوانان و زنان را در ظاهر امر بازتاب میدهد، نزد جانب دیگر دولت بازتاب مود و فیشن در اولیت بود .

پ ن : حکومت وحدت ملی و رهبران آن به جرم ائتلاف وقت، هدر دادن صدها ملیون دالر و بودجه دولت، عدم انجام خدمات لازمه به مردم، دروغ، توطئه، نقض سریع قوانین منجمله قانون اساسی، عدم تطبیق مندرجات ایجاد حکومت وحدت ملی، تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی و بحران امنیتی ناشی از بیکارگی، غفلت و انجام ندادن مسؤولیت ها و مکلفیت های قانونی، باید محکمه شوند.

**** *

این بود نوشته یکسال قبل، و در مورد اینکه رهبران ناقض قانون چرا در کشور محاکمه نمی شوند :
این موضوع امروز هم باید سخت مطرح باشد، اگر قانون در کشور حکمفرما می بود حالاً سران حکومت وحدت ملی محاکمه و اقلأ مانند ترامپ به استیضاح یا (امپیج) مواجه می شدند.
ولی مشکل این است که اگر گپ استیضاح و محاکمه سران وحدت ملی در کار می بود، موارد جرم، خیانت و تخطی از قانون نه يك مورد و نه ده مورد بلکه صدها فقره که در کشور های جهان سوم و کشور ما قابل تطبیق نیست را در بر می گرفت.

این قصه گك را ولو غیر مؤدبانه است در زیر از يك جایی کاپی می کنم:
روزی دانش آموزی در صنف از معلمش پرسید چرا در کشورهای عقب افتاده، مسؤولین به خاطر خیانت هایی که مرتکب می شوند استعفا نمی کنند؟

معلم در جواب گفت:

بچه ها اگر معلمی در صنف شما "بگوزد" آیا باز می تواند در این صنف به کارش ادامه دهد؟!
پاسخ روشن است نه تنها از این صنف بلکه از این مکتب هم باید برود.
بعد گفت: حالا اگر معلمی در صنف دانش آموزان عقب مانده (کر ها و لال ها و کور ها این عمل را انجام دهد چه عکس العمل رخ خواهد داد؟

دانش آموزان گفتند: صاحب، اگر ادرار هم کنند، آب از آب تکان نمی خورد.
معلم گفت: حالا فهمیدید چرا در کشور های عقب افتاده ای مثل کشور خود ماهیچ مقامی استعفا نمی کند؟
چون در این کشور ها عده ای لال اند عده ای کور اند و عده ای هم کر!
بدتر از این همه فاجعه، جمعی به مقتضای تعصب بستگی سمتی، زبانی، حزبی هم هستند که با غرور شبانه روز داد می زنند که اصلاً این () یک لطف ازلی رهبر شان بود و یا پول می گیرند تا در فضیلت آنها و این عمل شن شعار دهند...

پس تعجب نکنید که در این سرزمین ها (ریدن و باد) نه تنها عیب نباشد بلکه فضیلت هم محسوب می شود! کما اینکه همه مسؤولین ما از این جهت صاحب فضیلت اند.

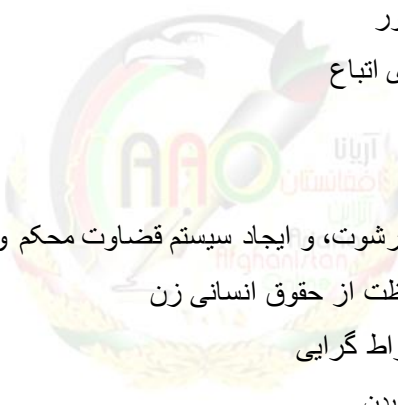
یادداشت:

مطلب به قدری جالب بود که حیفم آمد به خاطر کلمات بی ادبانه اش به اشتراک نگذارم، ضمناً هدف همه ملت خاموش و مظلوم ما نیست. اکثریت مردم ما چنان از ضربات انفجارات و انتحارات برادران ناراضی، جنگ ها، فقر، بیکاری، مریضی های روحی و جسمی و روزگار بسیار تیره و تاریک این چهل سال مصیبت، غرق اند و قدرت و انرژی مقاومت و عکس العمل را از دست داده اند که از دست شان چیزی برآمده نمی تواند.

ولی گروپ های چک چک چی، طرفداران متعصب نادان، نافهم، جاهل و استفاده جویان همان کورها، کرها و لال ها اند که وجدان خود را فروخته اند.

یک مطلب را از قلم (و س) در جای خواندم، به اجازه ایشان این نوشته شانرا در زیر نقل می کنم :
اگر قرار بر آن باشد تا رهبران را به اساس یک لیست کارکرد ها، مورد امتحان قرار دهیم و آنانرا نمبر دهیم، کدام رهبر افغانستان می تواند نمبر ۱۰۰ مکمل را از آن خود نماید؟

لیست معیار:

- 
- اول: ایجاد اتحاد و همدلی بین مردم
 - دوم: رونق تعلیم و تربیه و رونق معارف
 - سوم: ایجاد کار و آینده برای ترقی کشور
 - چهارم: ایجاد امنیت و پلان صحی برای اتباع
 - پنجم: ایجاد اعتبار بر نظام
 - ششم: اردو و پولیس نیک نام و صادق
 - هفتم: صداقت در کارهای دولت، نبود رشوت، و ایجاد سیستم قضاوت محکم و درست.
 - هشتم: حقوق مساوی برای زنان و حفاظت از حقوق انسانی زن
 - نهم: شناخت درست از دشمن و منع افراط گرایی
 - دهم: همه اتباع کشور را به یک نظر دیدن
 - یازده: سوء استفاده نکردن از کرسی و خویش خوری ها
 - دوازده: ؟

اینجاست که اکثریت رهبران در بخشی از لیست نمره اوسط، بخشی نمره کمتر و حتی در قسمتی از لیست، نمره صفر بزرگ را هم نصیب خواهند شد.

اینکه رهبری را به خاطر قوم و زبان، دین، پیروان او عزیز می دارند، نمی شود آن عشق را کارکرد تاریخی رهبر نامید. به طور مثال محبوبیت هتلر در جرمنی دوران جنگ و بعداً قضاوت واقعی تاریخ در حق او بعد از جنگ، از هم خیلی متفاوت است.

پس فراموش نباید کرد که کورکورانه رهبران را مقدس ساختن و آنان را بزرگتر از آنچه که هستند پنداشتن خطاست. نیک آن است که اندیشه را آزاد نگهداریم، تا شود خوب تاریخ را از بد، بدون احساسات قومی، نژادی و زبانی با کمال تحمل تفکیک بتوانیم .

اینست شاید راه رسیدن به قضاوت درست و رسیدن به نتیجه درست.

قابل دقت است که دروغ های تاریخی هم هیچگاه نمیتواند تاریخ حقیقی شود. حتی اگر آن تاریخ از طرف حاکمان زمان و به گونه فرمایشی هم نوشته شده باشند چون دروغ دروغ خواهد بود. تاریخ فردا به رهبران امروز افغانستان قضاوت خواهد کرد، همانگونه که تاریخ در مورد هتلر، گاندی، استالین، حفیظ الله امین، شاه شجاع ها ... و غیره قضاوت کرده است. پس ای مردم با چشمان باز و اندیشه باز به رهبران خود بنگرید، انتقاد پذیر باشید و کورکورانه و قومی از یک رهبر دفاع نکنید.

دیدم کسانی را که خود را در لایف فیسبوک سیلی کاری کرده اند و چه سود!!!
یک راه رسیدن به هم، درک درست از تاریخ و داشتن اندیشه آزاد برای انتقاد پذیری از خود و رهبران امروز است.

"جز عشق سزاوار پرستش دگری نیست

پرسند نظاما! اگر از مذهب و کیشم"

من نوشته سال قبل خود را با سؤال و جواب معلم و شاگرد و هم نوشته پر مفهوم (و، س) ممزوج و تقدیم می کنم،
باشد تا درد بیدرمان وطن در محراق توجه و پنداران قرار گیرد. ۲۰۲۰/۰۱/۲۲

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

دولت داری بی مسؤولیت یا حکمرانی بیخار